



Janus of peace and war in the complex system of relations between actors in the Persian Gulf

Danyal Rezapoor^{1*}  | Sedighe Azin²

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran. Email: danyalrezapoor@gmail.com
2. PhD, Department of International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran.

Abstract

The problem in the West Asia and especially the Persian Gulf is like Edward Lorenz's chaotic system, which oscillates between stability and instability. The disorder ruling the region shows a fluid and non-stop image that has managed to manage its system while being interwoven and inflammatory. Such a complex system, which has been able to maintain itself despite its fragility, causes the question to be raised that in the context of the play of extra-regional and regional powers and influential non-state actors, war and peace in the chaotic system of the Persian Gulf depends on what and how it can be explained. Is? The hypothesis that is based on the research question is that the conditions of peace and war in the Persian Gulf in this complex and intertwined system depend on the conditions of multipolarity and the balance of forces between actors, traditional and modern factors and the existing governance conditions. The research findings confirm the existing assumption and peace and war in the Persian Gulf can be explained based on the said existing conditions. The research method is based on the description and analysis of data obtained through library and internet sources.

Keywords: West Asia, Persian Gulf, Chaos Theory, Westphalia, War and Peace.

Volume info

Vol. 35
Series: 135
Autumn 2026
P.P: 67-92

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-03-02
Revised:
2025-09-19
Accepted:
2025-09-21
Published:
2026-08-23

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Cite this Article: Rezapoor, D., & Azin, S. (2026). Janus of peace and war in the complex system of relations between actors in the Persian Gulf. *Scientific Journal of Defense Policy*, 35(135), 67-92. doi : 10.47176/dpj.2026.1815



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights



Publisher: Imam Hossein University.

ژانوس صلح و جنگ در سیستم پیچیده خلیج فارس

دانیال رضاپور^۱ | صدیقه آذین^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

Email: danyalrezapoor@gmail.com

۲. دکتری، گروه روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه آشوب، دوگانگی صلح و جنگ را در سیستم پیچیده خلیج فارس به عنوان زیرسیستمی آشوب‌گونه از غرب آسیا بررسی و رفتار بازیگران در سطوح فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای و غیردولتی از طریق مفاهیم پیشادولت‌ملتی (مانند ساختارهای قبیله‌ای و امپراتوری‌های تاریخی)، دولت‌ملتی (دولت‌های مدرن با حاکمیت متمرکز) و پسادولت‌ملتی (بازیگران غیردولتی و نفوذهای فراملی) را مورد تفسیر قرار می‌دهد. در این سیستم رقابت‌های منطقه‌ای، نظیر محورسازی ایران یا نفوذ کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در کشورهای عربی بر پایه قواعد دولت‌ملتی و پسادولت‌ملتی عمل می‌کنند، در حالی که روابطی چون ایران-حزب‌الله عناصری پیشادولت‌ملتی را تداعی می‌کنند. از این رو سؤال پژوهش این-گونه مطرح می‌شود که در شرایط بازی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای و بازیگران غیردولتی تأثیرگذار، جنگ و صلح در سیستم آشوب‌گونه خلیج فارس منوط به چه چیزی است و چگونه قابل تبیین است؟ فرضیه مطرح‌شده بیان می‌دارد که شرایط صلح و جنگ در خلیج فارس در این سیستم پیچیده و درهم‌تنیده منوط به شرایط چندقطبی و توازن قوای میان بازیگران، عوامل سستی و مدرن و شرایط حاکمیتی موجود در آن است. نتایج نشان می‌دهد که سیستم غرب آسیا، با وجود شکنندگی و نوسان، پویایی خود را حفظ کرده و تحلیل صلح و جنگ به زمینه‌های زمانی و مکانی وابسته است، که این امر دوگانگی ژانوس‌وار منطقه را برجسته می‌سازد. روش تحقیق این مطالعه کیفی بر پایه تحلیل داده‌های تاریخی و معاصر، با استفاده از چارچوب نظریه آشوب برای تفسیر رفتار بازیگران و مفاهیم پیشادولت و پسادولت‌ملتی برای تجزیه ساختارهای هویتی و حاکمیتی، انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، خلیج فارس، نظریه آشوب، وستفالی، جنگ و صلح.

استناد: رضاپور، دانیال؛ آذین، صدیقه. (۱۴۰۵). ژانوس صلح و جنگ در سیستم پیچیده خلیج فارس. فصلنامه سیاست

دفاعی، ۳۵(۱۳۵)، ۶۷-۹۲. doi : 10.47176/dpj.2026.1815

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

منطقه غرب آسیا به ویژه خلیج فارس یکی از پرتلهاب ترین مناطق در جهان است به طوری که سیر تحول در این منطقه سریع و سرشار از بازیگران خرد و کلانی است که تمام تلاش خود را برای رسیدن به اهداف خود در نظر می گیرند. بازیگران متعدد با شاخصه های مختلف موجب شده تا صلح و جنگ در منطقه همانند تعبیر واژه ژانوس، دو چهره، نامشخص و متغیر باشد. با این وجود نظم کنونی مبتنی بر معاهده ۱۶۴۸ اروپا یعنی نظم مبتنی بر دولت-ملت ها استوار است. اگرچه نظم دولت-ملت‌ی امروزه به عنوان یک هنجار برداشت می شود، اما هرگز به معنای همه شمولی آن نبوده و همواره استثناهایی همچون بازیگران غیردولتی داشته است (Ahmad, 2019). از سوی دیگر خیز برداشتن جهان به سمت جهانی شدن واقعیت های جدیدی را همانند سازمان ملل و اتحادیه اروپا با جایگاه مستقل و دارای اقتدار به جهان سیاست معرفی کرده است. بنابراین با نمونه های طرح شده، جهان از نظم دولت-ملت‌ی به نظم پسادولت-ملت‌ی گام برداشته است. در این گذار، عناصر پیشا دولت-ملت ۱ و پسا دولت-ملت ۲ ممکن است به نظر همپوشانی داشته (Sonnen Kreuder and Zangl, 2015) و سازنده مفهوم جنگ و صلح باشند.

جنگ و صلح به کهن ترین روابط هم در درون و هم در میان گروه های اجتماعی تعلق دارند تا جایی که جزو رسمی ترین جنبه های روابط درون اجتماعی تلقی می شوند یا می توانند باشند. جنگ و صلح در چارچوب نظم دولت-ملت‌ی یعنی در میان بازیگران با رویکردهایی همانند اعلام رسمی جنگ یا امضا پیمان صلح توسط نمایندگان دولت ها و غیره تفسیر شده اند. با این حال، درک سنتی از جنگ با ظهور جنگ های نظامی مدرن که شامل ارتش های انبوه، سلاح های کارآمد/مخرب و قابلیت دستیابی به مناطق دوردست با هدف قرار دادن عموم مردم به سرعت تغییر کرد (Rzehak and Pashto, 2011). این درک جدید بدان معنا نیست که جنگ های کلاسیک به کلی ناپدید شده اند یا روش ها و ابزارهای قدیمی و سنتی یک منطقه خاص برای درگیری و صلح، از بین رفته اند.

۱ به ساختارهای پیشامدرن مانند قبیله، امپراتوری یا خلافت اشاره دارد که پایه هویت و قدرت در آن ها بر اساس معیارهای غیرملی است

۲ به وضعیتی اشاره دارد که در آن بازیگران غیردولتی (مانند گروه های شبه نظامی) یا قدرت های فراملی نقش دولت ها را به چالش کشیده یا جایگزین آن می کنند.

به عنوان مثال غرب آسیا به ویژه با نمونه‌های غیر کلاسیک خود از دولت‌داری و نیمه دولتی بودن (مانند دولت فلسطینی یا دولت منطقه‌ای کردستان در عراق و غیره) یا چالشی که توسط داعش برای آن ایجاد شده بود نه فقط برای نظم منطقه‌ای، بلکه حتی برای نظم جهانی گزینه مناسبی برای تحقیق در این حوزه است. به همیت خاطر سوال پژوهش به دلیل اینکه غرب آسیا و خلیج فارس به دلیل تلفیق سه عنصر پیشا دولت-ملت، دولت-ملت و پسا دولت-ملت می‌باشد، این گونه مطرح می‌شود که شرایط بازی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای و بازیگران غیردولتی تاثیر گذار در روند جنگ و صلح در سیستم آشوب گونه‌ای خلیج فارس چگونه است؟ مبتنی بر سوال پژوهش چنین فرض می‌شود که شرایط صلح و جنگ در خلیج فارس در این سیستم پیچیده و درهم تنیده منوط به شرایط چندقطبی و توازن قوای میان بازیگران، عوامل سنتی و مدرن و شرایط حاکمیتی موجود در آن است. حال با توجه به آن که منطقه خلیج فارس همواره مستلزم دستیابی به یک سیستم مبتنی بر صلح و دوری جستن از جنگ است و از آنجا که کشور ایران نیز یکی از بزرگ‌ترین کشورهای حاضر در آن می‌باشد که امنیت ملی آن به امنیت منطقه‌ای گره خورده در نتیجه هدف و مساله اصلی این پژوهش درک علل ریشه‌های صلح و جنگ در منطقه و نحوه شکل‌گیری هر یک از آنان برای ایفای نقش بازیگران دولتی و غیردولتی از جمله ایران است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و رویکرد بکار رفته در آن توصیفی-تحلیلی است. در اثر پیش‌رو براساس داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای با تلفیق روش‌های کمی و کیفی مفهوم صلح و جنگ در خلیج فارس براساس تحلیل محتوا در بازه زمانی سه دهه اخیر توضیح داده خواهد شد.

مبانی نظری

نظریه‌های سیاسی با مجموعه‌ای از قضایای منطقی و وابسته به هم ضمن تبیین ماهیت پدیده‌ها، به کمک پژوهشگر خواهند آمد تا یک حادثه را قابل فهم سازند. به دنبال این موضوع یکی از نظریات مهم در عرصه روابط بین‌الملل که توضیح‌دهنده بسیاری از رخدادهاست نظریه آشوب^۱ است. مطالعه در مورد تئوری آشوب در حقیقت از سال ۱۹۶۵ توسط دانشمندی به نام ادوارد لورنز^۲ از مطالعات هواشناسی شروع شد و به این نتیجه رسید که یک تغییر جزئی در شرایط اولیه

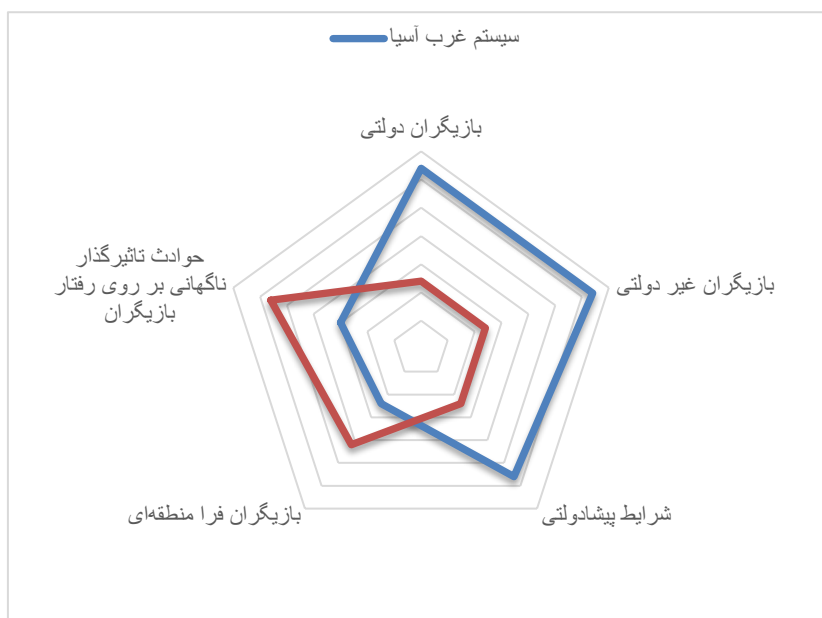
1 Chaos Theory

2 Edward Lorenz

معادلات پیش‌بینی‌کننده وضع جوی، منجر به نوسانات در پاسخ سیستم و تغییرات شدید در نتایج حاصل از آن‌ها می‌گردد. این مسأله، سنگ‌بنای تئوری آشوب است. در نظریه آشوب یا بی‌نظمی اعتقاد بر آن است که در تمامی پدیده‌ها، نقاطی وجود دارند که تغییر اندک در آن‌ها باعث تغییرات عظیم خواهد شد. با توجه به رویکرد موجود در نظریه آشوب، رفتار آشوبناک حتی در سیستم‌های معین هم دیده می‌شود یعنی حتی در سیستم‌هایی که درگیر هیچ پارامتر یا ورودی تصادفی نیستند. با پیدایش نگرش جدید ابعاد علمی و نظری در سیستم آشوب دیگر آشوب به معنای سازمان‌نیافتگی، درهم‌ریختگی و ناکارایی تلقی نمی‌شود، بی‌نظمی به معنی جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی در هر پدیده‌ای است که حالت پویا دارد. بی‌نظمی نوعی نظم در بی‌نظمی است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۷). اگرچه استفاده از نظریه آشوب در عرصه سیاست در ابتدای مسیر است ولی توانایی مناسبی برای تحلیل مسائل سیاسی را داراست. نظریه آشوب برخلاف نظریات مرسوم و متداول در جریان اصلی به دنبال ثبات بخشیدن به مدل‌های خطی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نیست بلکه این مدل در پی تغییر چنین وضعیتی است که هر آنچه که در غرب اتفاق می‌افتد درست و هر آنچه در کشورهای غیرغربی در حال رخ دادن است غیرعقلانی و نادرست است. مدل آشوب در واقع برهم‌زننده سیستمی رفتار کردن و یا خطی جلو رفتن در دنیای سیاست است. آنان اذعان دارند که پدیده‌های مختلف به هر صورت و در هر مکان و زمانی در الگوی رفتاری خود هرچند به ظاهر نامنظم اما نوعی نظم را دارند (اکوانی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۹۰-۱۹۱). پس سیستم‌ها به‌طور طبیعی به سمت پیچیدگی گرایش دارند و بدین ترتیب به‌طور فزاینده‌ای بی‌ثبات‌تر و مستعد اثرات بی‌نظمی و آشفتگی می‌شوند. بنابراین یک سیستم آشوبناک در مدتی قابل پیش‌بینی هستند اما به مرور و رفته رفته غیرقابل پیش‌بینی و تصادفی می‌شوند. این حالت را می‌توان در مورد کشورهای حوزه غرب آسیا به ویژه منطقه خلیج فارس دارای صدق دانست. کشورهای حاضر در یک شرایط آشوب‌گونه قرار دارند که به ظاهر می‌توان رفتارهای آنان را تحلیل و یا شبیه‌سازی کرد اما زمانی که در عمق رفتارهای آنان دقت می‌شود سیستمی در هم پیچیده یافت می‌گردد که متاثر از عوامل مختلف ایجاد شده و به‌صور مختلف عمل می‌کنند.

شاید بهتر باشد براساس ادغام مفهوم پیشادولتی، دولتی و پسادولتی با نظریه آشوب شرایط موجود را نمایان شود. زمانی که حوزه غرب آسیا و منطقه خلیج فارس به صورت مشخص ملاحظه می شوند کشورهایی یافت می گردند که در سه حالت مختلف یعنی پیشاوستفالیایی، وستفالیایی و پساوستفالی با هم برخورد دارند و یکدیگر را به چالش می کشند (Al Ahram, 2016). برای مثال در اعتراضات مردمی سال ۲۰۱۱ حاکمیت دولت ها در جهان عرب تضعیف شد و شرایط سه گانه فوق در آن به وجود آمد به طوری که در چهار کشور عراق، لیبی، یمن و سوریه بازیگران غیردولتی سر بر آوردند. از آنجایی که نظام دولتی غرب آسیا یک سیستم قابل نفوذ است، دولت های بالفعل (روژاوا، کردستان سوریه، در شمال سوریه)، دولت های قانونی و بازیگران غیردولتی (حزب الله) همگی به دنبال حمایت بین المللی و منطقه ای هستند (Kamel, 2017). شاید بهتر است این گونه بیان شود که ساختار دولتی در غرب آسیا به ویژه منطقه خلیج فارس سیستمی است که به طرز شگفت انگیزی پایدار است. بر این اساس در ادامه براساس نظریه و مفهوم گفته شده سیستم منطقه مورد تحلیل قرار خواهد گرفت تا صلح و جنگ در این شاکله پیچیده اما بادوام تحلیل شود.

شکل ۱. سیستم موجود در غرب آسیا (با نگاه ویژه به خلیج فارس) برای ایجاد صلح و جنگ. منبع: نگارنده



پیشینه پژوهش

صالح و یزدان‌شناس^۱ (۲۰۲۳) در مقاله "مشارکت راهبردی چین و ایران و آینده هژمونی آمریکا در منطقه خلیج فارس"، به بحث آنکه قدرت بین‌المللی در حال گذار عمیقی است که با حرکت به سوی کثرت‌گرایی عمیق در نظام بین‌الملل مشخص می‌شود که به موجب آن طیفی از قدرت‌های متوسط ادعای بیشتری برای قدرت منطقه‌ای دارند به بحث پرداخته‌اند. به این ترتیب، این مقاله به دنبال بررسی چنین تلاقی و مفاهیم آن است. باقری دولت‌آبادی و کامروا^۲ (۲۰۲۲) در مقاله "تغییر استراتژی دریایی ایران در خلیج فارس: انگیزه‌ها و ویژگی‌ها"، تشدید حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و تهدیدات علیه ایران نقش اساسی در اتخاذ استراتژی دریایی تهاجمی توسط تهران داشته است را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. از ویژگی‌های این استراتژی جدید می‌توان به توسعه برنامه‌های موشک‌های بالستیک و کروز اشاره کرد. جعفری و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله "امنیت در خلیج فارس بر مبنای راهبردهای جمهوری اسلامی ایران؛ نقش رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت مشترک منطقه‌ای" به دنبال بررسی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و ارتباط آن با رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت مشترک در خلیج فارس برآمده‌اند. آنان به دنبال دستیابی به مدل مشخص و واقع‌گرایانه برای رفع چالش‌های امنیتی در خلیج فارس براساس نظریه رهیافت فرهنگ راهبردی برآمده‌اند. تیموری و نوذری (۱۴۰۲) در مقاله "تحلیلی بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در پرتو تغییر در کنش کارگزاران نظام سیاسی عربستان (۲۰۱۰-۲۰۱۸)" به بررسی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در پرتو تغییر در کنش کارگزاران نظام سیاسی عربستان پرداخته‌اند. آنان بیان می‌دارند که اگر ادراک تصمیم‌سازان، ناظر به محیط عملیاتی تغییر کند، ممکن است از الگوی هژمونیک به الگوی مشارکت گذار کرده و فضای امنیتی غرب آسیا را به فضای هم‌گرایانه و مشارکتی تبدیل شود. بوالحسنی و همکاران در مقاله "امنیت ج.ا. ایران با تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی" معتقدند که جهان همواره شاهد ظهور و سقوط قدرت‌ها بوده و اهمیت مطالعه جابجایی قدرت‌های مزبور به این دلیل است که صلح و جنگ و امنیت سیستم بین‌الملل با آن مرتبط است؛ بنابراین پژوهش حاضر با رویکرد آینده‌پژوهی

1 Saleh and Yazdanshenas

2 Bagheri Dolatabadi and Kamrava

با تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی، امنیت ج.ا.ایران و تأثیرگذاری عوامل تغییر قدرت‌ها را بررسی می‌کند. بنابراین ابتدا به پیش‌بینی قدرت کشورها در قالب شاخص‌های اقتصادی و نظامی پرداخته، سپس به کمک نظریه دیلان و کیسان، چهار کشور چین، آمریکا، هند و روسیه مورد بررسی قرار می‌دهند. با توجه به پیشینه موجود و بررسی مطالب موجود تاکنون مطلبی در قالب چارچوب نظریه آشوب و مفهوم پیشادولتی-دولتی و پسادولتی در منطقه خلیج فارس به بررسی سیستم موجود در آن پرداخته است. بنابراین این پژوهش درصدد آن است تا با پژوهش در این بخش خلاء موجود را پر کرده و به موضوع حاضر بپردازد.

یافته‌های پژوهش

تاریخچه جنگ و صلح در خلیج فارس

با وجود تمامی لفاظی‌هایی که در مورد استفاده از کلمه جنگ سرد در خلیج فارس می‌شود اما در طی یک دهه گذشته در خاطره این منطقه جنگ آن هم به معنای کلاسیک‌اش وجود نداشته است. شاید پیش از این، خلیج فارس شاهد جنگ تحمیلی عراق و ایران ۱۹۸۰-۱۹۸۸، جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ و جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ بوده اما در شرایط کنونی هیچ جنگ مسلحانه‌ای در این منطقه رخ نداده است. از آنجا که صلح همراه با جنگ معنا می‌شود و به‌عنوان پایانی برای رویارویی مستقیم نظامی است؛ بنابراین تصویر موجود از صلح در منطقه خلیج فارس به‌عنوان فعالیتی برای ایجاد وضعیتی که مقدم بر جنگ باشد و از وقوع آن جلوگیری کند در نظر گرفته شده است. به این معنا پیمان یا ترتیبات امنیتی که هدف آن برقراری امنیت منطقه‌ای است، می‌تواند به‌عنوان فرآیندی که منجر به صلح شود، تعبیر می‌شود اما از این منظر نیز خلیج فارس دچار نقص است زیرا تاکنون ترتیبات امنیتی مطلوبی را ایجاد نکرده است. شاید بتوان از شورای همکاری کشورهای خلیج فارس^۱ به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای امنیتی یاد کرد که شش عضو دارد: پادشاهی بحرین، کشور کویت، سلطان‌نشین عمان، کشور قطر، پادشاهی عربستان سعودی و امارات متحده عربی؛ که در سال ۱۹۸۱ راه‌اندازی شد. اهداف آن تقویت هماهنگی، یکپارچگی و ارتباط متقابل بین اعضا است (EUEA, 2021). بازوی نظامی این سازمان تحت عنوان نیروهای

1 GCC

سپر شبه جزیره که باید در جهت صلح و حفاظت از اعضا باشد تنها در عملیات برقراری نظم در سال ۲۰۱۱ در بحرین فعال بود. بنابراین این منطقه ضمن نداشتن جنگ‌های بزرگ در یک دهه گذشته حتی نهادهای مشخص که ضامن امنیت نیز باشد را ندارد. اما در طی سالیان گذشته در موارد متعدد تلاش‌هایی برای ایجاد صلح در این منطقه صورت گرفته که در زیر به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

- منطقه عاری از سلاح هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی: پیشنهاد چند دهه ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای و پیشنهاد توسعه‌یافته منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی برای غرب آسیا (و شمال آفریقا) باید به عنوان یک ابزار خاص نگریسته شود. منطقه بدون جنگ‌افزار هسته‌ای برای رسیدن به صلح اولین بار در سال ۱۹۷۴ توسط مصر و ایران پیشنهاد شد. قطعنامه غرب آسیا در کنفرانس بازنگری و گسترش پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۵ که خواستار ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی، هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی و سیستم‌های پرتاب آن‌ها بود، به نقطه اصلی این کنفرانس تبدیل شد. اگرچه نه کنفرانس بازنگری منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۰ و نه در سال ۲۰۰۵ به پیشرفتی منجر نشد، اما کنفرانس بازنگری منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۱۰ باعث شد پنج گام عملی برای تحقق منطقه غرب آسیا تعیین شود. با این حال، به دلیل رویدادهای سیاسی در آن سال (بیشتر از همه مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری و انتخابات در ایالات متحده) و اختلاف نظر بین کشورهای منطقه (اول از همه رژیم غاصب صهیونیستی و ج.ا. ایران)، کنفرانس عاری از سلاح‌های هسته‌ای و منطقه بدون جنگ‌افزار هسته‌ای به فراموشی سپرده شد. بسیاری از ناظران انتظار داشتند که عدم پیشرفت در منطقه غرب آسیا، نتایج کنفرانس بازنگری منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ را تهدید کند. به همین دلیل مصر با حمایت اتحادیه عرب پیشنهاد جدیدی ارائه کرد که به موجب آن دبیرکل سازمان ملل تنها مسئول تشکیل کنفرانس در منطقه خواهد بود و موضوع را از چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به سازمان ملل منتقل می‌کند (Rózsa, ۲۰۱۸).

- جنگ خلیج فارس: عراق در حالی که هنوز دو سال از پایان جنگ نگذشته بود به کویت در مرداد ۱۹۹۰ حمله و در عرض چند ساعت این کشور را اشغال نظامی کرد (جنگ اول خلیج فارس). تصرف کویت و هفت جزیره این کشور عراق را در موقعیت استراتژیکی مناسبی قرار داد. این جنگ با این بهانه شروع شد که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از جمله کویت از جنگ تحمیلی میان ایران و عراق سودهای بسیاری به دست آورده‌اند و اکنون باید بدهی‌های عراق را ببخشند اما زمانی که چنین امری محقق نشد به کویت حمله و این کشور را با توان نظامی چندین برابری اشغال کرد. این پیروزی زیاد طول نکشید و آمریکا به همراه متحدان خود ابتدا به کویت حمله و نیروهای بعث را از آنجا خارج و سپس به عراق یورش (طوفان صحرا و جنگ دوم خلیج فارس) برد. شورای همکاری خلیج فارس با وجود آنکه عراق به کویت حمله و این کشور را اشغال کرد کارآیی از خود نشان نداد و به جای آنکه زمینه صلح را مهیا سازد و یا راهی برای برون رفت پیشنهاد دهد در حال منفعل خود باقی ماند به گونه‌ای که آمریکا به عراق حمله و باعث بروز اتفاقات پس از آن شد (احرامی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵-۶). با وجود شکست و ویرانی همه‌جانبه عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس در کنار برکناری صدام، به‌طور جدی نگران امنیت و ثبات خود بودند. هر دولت برداشت‌ها و استراتژی‌های خودش را از اتفاقات پیش‌رو داشت. عربستان سعودی و کویت احساس خطر و آسیب‌پذیری داشتند و بنابراین خواستار آن بودند که ماشین نظامی عراق به‌طور کامل نابود شود. چهار کشور دیگر شورای همکاری خلیج فارس مایل نبودند که عراق به‌طور کامل یا حتی جزئی تجزیه شود. در میان همه این‌ها، طرحی برای امنیت جمعی در خلیج فارس در مارس ۱۹۹۱ مطرح شد، اما مورد قبول قرار نگرفت. به‌طور کلی استراتژی حاکمان شورای همکاری خلیج فارس به اتکای متقابل و یک اتحاد امنیتی منحصراً عربی تقلیل یافت. به عنوان مثال، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به امضای قراردادهای دفاعی دوجانبه با کشورهای غربی پرداختند. کویت، بحرین و عربستان سعودی تسلیحات تازه به ارزش بیش از ۲۰ میلیارد دلار از آمریکا خریداری کردند. الگوی جدید انتقال تسلیحات و قراردادهای دفاعی تمایلات واقعی

حاکمان شورای همکاری خلیج فارس را آشکار کرد (Naaz, ۲۰۰۱: ۵). بنابراین در اینجا دولت‌های ضعیف در ابتدای انقلاب ایران به دلیل واهمه از این کشور و در نتیجه ترس از قدرت دیگر منطقه‌ای آن زمان یعنی عراق راه رسیدن به صلح را توازن فرمانطقه‌ای دانستند. هر چند لفظ موازنه برای قدرت‌های ذره‌ای موجود در خلیج فارس با کشور امریکا کمی اغراق بنظر آید و بهتر است اینگونه بیان شود که این کشورها برای حفظ بقای متزلزل خود راه رسیدن به صلح را حمله امریکا به کویت و عراق در نظر گرفتند و از ایجاد همکاری با یکدیگر که سست و بدون بقا بود، دوری کردند. درواقع جنگ اول و دوم خلیج فارس در سیستم نامتوازن و آشوب‌وار این منطقه موجب شد اولین تصمیم کشورها برای برقراری صلح نزدیکی به قدرت برتر آن زمان یعنی امریکا باشد ولو آنکه این صلح به ضرر متحد دیروز خود یعنی عراق تمام شود.

- جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی (مساله فلسطین): در غرب آسیا (و شمال آفریقا) تنها نمونه فرآیند صلح ساختاریافته، روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی بود که در سال ۱۹۹۱ در مادرید آغاز شد. کنفرانس مادرید در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ برگزار شد و در ۴ نوامبر به پایان رسید. اگرچه طرفین عمدتاً به مواضع سنتی خود پایبند بودند و به‌طور جدی با یکدیگر مذاکره نکردند، با این وجود موافقت کردند که در فرآیند گفتگو باقی بمانند. مذاکرات دوجانبه بین مقامات رژیم صهیونیستی و هم‌تایان عرب آن‌ها در دسامبر ۱۹۹۱ در واشنگتن و مذاکرات چندجانبه در ژانویه ۱۹۹۲ در مسکو آغاز شد. این گفتگوها پس از انتخاب اسحاق رابین، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در ژوئن ۱۹۹۲ شتاب بیشتری یافت، اما قبل از روی کار آمدن دولت کلینتون به نتیجه نرسید. در نهایت، مسیر رژیم صهیونیستی - اردنی و رژیم صهیونیستی - فلسطینی که در مادرید ایجاد شده بود توسط خود احزاب داخلی دور زده شد. صهیونیست‌ها که از ناتوانی هیئت فلسطینی در پیشبرد بدون تأیید عرفات ناامید شده بودند، تصمیم گرفتند مستقیماً با سازمان آزادی‌بخش فلسطین مذاکره کنند که در نهایت با امضای بیانیه اصول در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ (توافق اسلو) به پایان رسید. ملک حسین و صهیونیست‌ها نیز به همین ترتیب تصمیم گرفتند مستقل از سازمان آزادی‌بخش فلسطین راهبردهای خود را به جلو ببرند. از این رو چارچوب مادرید، با

برگزاری مذاکرات مستقیم که منجر به یک معاهده صلح تا اکتبر ۱۹۹۴ شده بود، به اتمام رسید (history.state.gov, ۱۹۹۶). بنابراین تنها ساختاری که همواره در پی صلح بوده است مساله فلسطین است. اما نکته‌ای که در این رابطه وجود دارد چه در زمان خود جنگ چه پس از آن معانی هویتی، مذهبی و عربی فرای موضوع دولت ملت‌ها بحث شده است. درواقع در بحث فلسطین قدرت نیروهای پساوستانی (مذهبی- تاریخی- امت واحد اسلامی- امت عربی) و نیروهای پساوستانی (نیروهای غیردولتی تاثیرگذار برای مبارزه با رژیم صهیونیستی) از دولت‌ها بیشتر است. بنابراین در بحث فلسطین فرای تلاش‌های صورت گرفته، تصمیم‌گیرنده نهایی دولت‌ها نیستند و صلح باید به گونه‌ای پیش برود که رضایت دو گروه فوق را نیز در نظر بگیرد؛ زیرا بعضاً دولت‌ها چه در غرب آسیا چه در خلیج فارس شکننده و ضعیف‌اند.

- جنگ ۲۰۰۳ در عراق: این جنگ که توسط ایالات متحده بر علیه صدام حسین صورت گرفت سومین جنگ بزرگ بعد از جنگ تحمیلی عراق- ایران و جنگ عراق- کویت بود. اولین جنگ بدون هیچ مکانیسم مشخصی و صرفاً بر اساس آتش‌بس میان دو کشور ایران و عراق به اتمام رسید. درواقع در پی آن جنگ تنها راه رسیدن به صلح، آتش‌بس اعلام شد. در جنگ دوم نیز راهکار دولت‌های ضعیف ائتلاف با قدرت بزرگ‌تر بود. در واقع چارچوب کلی صلح جدای از منطقه و توسط قدرت برتر تعیین شد. در جنگ سوم نیز راهکار صلح در منطقه حمله آمریکا با تایید دیر هنگام شورای امنیت بود. بنابراین صلح با چهره غربی و توزان فرامنطقه‌ای وارد منطقه غرب آسیا و خلیج فارس شد و صرفاً سرپوشی بر شکاف‌های منطقه‌ای بود. مبتنی بر تاریخ جنگ عراق، ایالات متحده به دلیل مشاهده عدم همکاری لازم عراق نسبت به اخطار شورای امنیت در رابطه با سلاح‌های کشتار جمعی در ماه مارس سال ۲۰۰۳ اقدام به حمله نظامی به عراق کرد. این حمله در واقع در پی درخواست آمریکا برای کناره‌گیری صدام حسین و امتناع وی از این درخواست صورت گرفت (مرادپیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۲۰-۳۱۹). به نظر می‌رسد این جنگ صلح را در خلیج فارس برقرار خواهد کرد، اگرچه به دلیل تغییر رژیم هیچ معاهده صلح یا حتی روند صلحی لازم نبود. ضامنان صلح نیروهای ائتلافی

بودند که در سال ۲۰۱۰ عراق را ترک کردند. با این حال تاکنون روشن شده است که جنگ در عراق تعادل در منطقه را به هم ریخته است و به جای اینکه به صلح کمک کند در عواملی که منجر به جنگ یا درگیری‌های مسلحانه و ایجاد نیروهای فرادولتی-رسمی و غیررسمی- (شرایط وستفالی-پساوستفالی) شد، نقش داشته است.

- ایده‌های دیگر برای ایجاد صلح در منطقه خلیج فارس: جامعه علمی در غرب آسیا و شمال آفریقا و همچنین در اروپا، چندین ایده همکاری بر اساس بخش‌های مختلف از جمله ایده منطقه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی خلیج فارس پیشنهاد کرده‌اند. برای مثال ابتکار انجمن محیط‌زیستی^۱ توسط مرکز تحقیقات خلیج فارس در سال ۲۰۰۴ راه‌اندازی شد. اگرچه مجموعه‌ای از بحث‌ها در این ابتکار سازماندهی شد، اما هرگز توسط تصمیم‌گیرندگان سیاسی عملیاتی نشد (Zaki, ۲۰۲۱). طرح‌های دیگری که ترتیبات امنیتی از جمله موارد مربوط به تروریسم یا بحث ناتوی عربی غالباً در برابر ج.ا. ایران بوده و در هر دوی آنان ایران کنار گذاشته شده است. برای مثال ناتوی عربی ایده تشکیل ارتش عربی در برابر جمهوری اسلامی ایران که متشکل از نیروهای نظامی هشت کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان، قطر، مصر و اردن بود. دو نکته بارز در شکل‌گیری این ائتلاف آن بود که ۱- این طرح بیش از آنکه عربی باشد از سمت امریکا در دوران ترامپ ارائه شد ۲- ناتو عربی، دشمن مرکزی را ایران در نظر گرفته بود درحالی‌که تا پیش از این رژیم صهیونیستی دشمن شماره یک اعراب تلقی می‌شد. در شکل نگرفتن این ائتلاف دلایل متعددی وجود دارد اما مهم‌ترین عوامل شامل؛ ۱- موقعیت ژئوپلیتیکی و راهبردی منطقه غرب آسیا به گونه‌ای است که الگوهای رفتاری، کشورهای این منطقه را در بهترین حالت به سمت رقابت می‌کشاند نه وحدت (مانند رقابت اعضای شورای همکاری خلیج فارس) ۲- ناتوی عربی به‌عنوان نهادی در خدمت منافع دولت‌های سنی تنها متوجه تقابل با ایران نخواهد بود بلکه شیعیان شرق شبه‌جزیره عربستان و لبنان و اکثریت مردم عراق نیز از جانب آن احساس خطر خواهند کرد ۳- نگرانی‌های موجود جهان عرب در خصوص سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی

به ویژه در قطر و کویت که موجب شده تا عربستان را «نیروی مداخله گر در امور داخلی خود» بدانند ۴- اختلاف های سیاسی در میان هشت کشوری که اعضای ناتوی عربی هستند (عمادی، ۱۳۹۸). بنابراین در این دست از ائتلاف ها و حرکات ایران به عنوان یکی از قدرت ها کنار گذاشته و تلاش شد تا با کمک نیروهای منطقه ای و فرامنطقه ای امنیت و صلح را در برابر این کشور و نیروهای همراه آن ایجاد کنند. امری که موفق عمل نکرد زیرا همان گونه که گفته شد در میان ملت های حاضر هنوز رگه های دشمنی با رژیم صهیونیستی وجود دارد و بیش از آنکه ایران را تهدید قلمداد کنند رژیم صهیونیستی را دشمن خود و آرمان های فلسطین می دانند.

- در میان پیشنهادات موجود در بحث ایجاد صلح در منطقه خلیج فارس ایران نیز پیشنهاداتی را در دولت های مختلف ارائه کرده است. در طی سالیان پس از انقلاب ایران، موضع این کشور در منطقه خلیج فارس امنیت منطقه ای به صورت دسته جمعی است. این کشور پس از انقلاب تکیه خود را بر نیروهای خارجی کنار گذاشت و حتی بزرگ ترین مشکل منطقه را حضور نیروهای بیگانه در این منطقه در نظر گرفت (نیلفروشان و نقی زاده، ۱۴۰۰: ۲۸). به همین دلیل در مجموعه اقدامات خود به بحث امنیت دسته جمعی توجه داشته است. برای مثال در زمان ریاست جمهوری روحانی، وی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد از طرح ابتکاری صلح هرمز^۱ سخن به میان آورد. این طرح به دنبال آن بود تا از طریق همکاری با کشورهای خلیج فارس و دریای عمان، صلح و ثبات و امنیت دریایی در این منطقه برقرار شود (ایرنا، ۱۳۹۸). در مجموع در دولت های گوناگون ایران بر عنصر صلح سازی با تکیه بر دولت های منطقه اشاره شده است. از سرگیری روابط میان ایران و عربستان سعودی در دوران رئیسی نیز می تواند در همین شاکله معنا شود البته شروع مجدد روابط این دو کشور مهم منطقه ای تا زمان نگارش این پژوهش منجر به ایجاد ساز و کاری برای صلح درون منطقه ایی نشده است.

با وجود تمامی راه هایی که برای ایجاد صلح و دوری از جنگ در منطقه در نظر گرفته شده است اما جنگ سرد و تنش بین ایران و همسایگان عرب خلیج فارس همچنان وجود دارد و

1 Hormoz Peace Endeavor

براساس تاریخچه تاکنون روند مشخص و متقنی برای برون رفت از این حالت شکل نگرفته است. در نتیجه شاید بهتر باشد در ادامه در بخش‌های مجزا به تاثیر عوامل سه گانه بر روی صلح و جنگ در خلیج فارس پرداخته شود.

روش‌شناسی برقراری صلح در خلیج فارس

کشورهای حوزه خلیج فارس در یک موضوع با یکدیگر وجه مشترک دارند و آن هم اصل اسلامی بودن آنان است به همین دلیل زمانی که بحث صلح و جنگ در این منطقه مطرح می‌شود یکی از عوامل تاثیرگذار بر مناسبات منطقه‌ای اسلام و قوانین موجود در آن است. با این حال وجود دو مذهب شیعه و سنی در جهان اسلام موجب می‌شود تا تقسیم‌بندی دوگانه‌ای در روش‌شناسی صلح صورت بگیرد، در اینجا روش کشورهای اهل تسنن حاشیه خلیج فارس با کشور شیعه‌نشین ایران متفاوت است که البته باید در ویژگی اسلامی بودن ایران، قدمت تاریخی آن را نیز در نظر داشت که موجب می‌شود در راه رسیدن به صلح از هر دو مولفه بهره بگیرد.

صلح از منظر کشورهای عربی: مانند هر جامعه‌ای در جوامع قبیله‌ای و اسلامی نیز الگوهای سنتی و تثبیت شده حل منازعه و ایجاد صلح وجود دارد. جرج ای ایرانی می‌نویسد که تضاد در فرهنگ‌های عربی برای نظم عادی مضر و مخرب تلقی می‌شود و باید از آن اجتناب یا فوراً حل و فصل شود. جای تعجب نیست که بحث‌های علمی بسیاری در اسلام وجود دارد که تا چه زمانی باید سوء مدیریت یک حاکم را تحمل کرد و چه زمانی مقاومت و شورش مشروع می‌شود. داوری همیشه وسیله‌ای برای حل و فصل اختلافات در منطقه خلیج فارس چه بین افراد و چه بین قبایل و ابزار مفیدی در مدیریت روابط بین جوامع بوده است (Albrecht et all, 2006). داوری همچنین در آیین رفتار اسلامی ادغام شده است زیرا طبق منابع متعدد حضرت پیامبر(ص) به عنوان اولین داور منتخب در اسلام این روش را استفاده می‌کرد. اگرچه بین صلح و داوری تفاوت‌هایی وجود دارد (اگر بی طرف ثالثی وجود داشته باشد - نباشد یا توافقات الزام آور باشد - نباشد) هدف نهایی هر دو احیای نظم است. در فرهنگ عربی - اسلامی، داور عموماً رهبری است که در جامعه وجود دارد و از جایگاه بالایی برخوردار است. داور کسی است که از اختلاف و هم افراد درگیر آن آگاهی دارد. او بر اساس شایستگی‌های مذهبی، ارتباطات اجتماعی و آگاهی از آداب و رسوم دارای اعتبار است. در

داوری آرمان‌های مذهبی، داستان‌ها، متون مقدس، تاریخ محلی، آداب و رسوم و نمونه‌های اخلاقی نیز نقش دارند. مذهب و تاریخ برای درک داوری در این بخش از جهان کلیدی هستند... مسائلی مانند اهمیت خانواده‌ها، پدر و مادر، مسئله قومیت، ارتباط هویت، ماهیت همبستگی قبیله‌ای و طایفه‌ای، نقش کلیدی روابط حامی و مشتری و برجسته بودن هنجارهای مربوط به شرافت و شرم را باید در زمینه جغرافیایی و اجتماعی- فرهنگی آن‌ها بررسی کرد (Al-Humaidhi, 2015).

صلح از منظر ج.ا. ایران: مفهوم صلح در کشور ایران با وجود اسلامی بودن آن مغایر با روش کشورهای اهل تسنن منطقه به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس است. ج.ا. ایران به دلیل ماهیت شیعی مدل دولتی متفاوتی دارد. در کشور ایران، آیت‌الله خمینی (ره) الگوی حکومت اسلامی را تشریح کرده است. بر طبق قانون اساسی، قانون‌گذار اصلی خداست ولی اراده مردم در انتخابات عمومی مجلس لحاظ می‌شود. ولی فقیه است که به تفسیر احکام الهی می‌پردازد و تشریع دنیوی روزمره در همین حدود انجام می‌شود و فقیه به نوعی نقش و قدرت واسطه‌ای دارد. همزمان نهاد مجمع تشخیص مصلحت در قانون اساسی ایجاد شده است: مجمع تشخیص مصلحت نظام باید تعارضاتی را که در نهایت بین مجلس و شورای نگهبان ایجاد می‌شود، حل کند. بنابراین امام خمینی (ره) برخلاف نظام سلطنتی پیشین بر نظامی اعتقاد داشت که بر احکام اسلام و نظارت علما و رای مردم بنیان گذاشته شده است. حکومت در ایران از سیره پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) پیروی خواهد کرد و متکی بر آراء عمومی است (محمودی، ۱۴۰۰: ۹). بنابراین شیوه حکومت و داوری برای کسب صلح از طریق مکتب شیعه اسلام و سپس لحاظ کردن آراء مردمی است. البته در این بین باید فرهنگ غنی موجود که برگرفته از تاریخ است نیز لحاظ شود زیرا این صبغه در شیوه حکمرانی و اخلاقی بودنش در منطقه تاثیرگذار است. باتوجه به روش‌شناسی کشورهای حوزه خلیج فارس، هرگونه تلاش برای حل منازعات، کاهش تنش‌ها و ایجاد صلح در خلیج فارس باید شامل و ترکیب همه ابزارهای سنتی، قبیله‌ای، عربی، اسلامی (سنی و شیعه)، شاهنشاهی و مدرن (غربی) باشد. ممکن است اینها از نظر ظاهری همپوشانی داشته باشند، اما محتوای پشت آن‌ها و مفروضات اساسی ممکن است متفاوت باشد امری که می‌تواند یک حالت چندگانه و موازی برای رسیدن به صلح ایجاد کند که هیچ‌گاه به یکدیگر نرسند.

شرایط حاکمیتی در خلیج فارس

جوامع سیاسی در کشورهای عربی و چگونگی صلح: سیاست امنیتی کشورهای منطقه از نحوه درک نخبگان در قبال مفاهیم «تهدید» و «مسائل امنیتی» و «نحوه مقابله با تهدیدات» ناشی می‌شود. سیاست امنیتی خلیج فارس در طول تاریخ مسیر طبیعی خود را طی نکرده و به دلیل حضور کشورهای خارجی در منطقه، موازنه نیروهای طبیعی شکل نگرفته است. گراهام ای مامور سابق سیا، این موضوع را در کتاب خود "مرکز کیهان" تأیید کرده است که مبارزات منطقه‌ای بر اساس منافع کشورهای خارجی می‌باشد (En. Mehrnews, 2020). همچنین این منطقه بخشی از یک نظام بین‌المللی جهانی است که در امتداد اصول سه‌گانه غربی در مورد سرزمین‌گرایی سازماندهی شده است. تا پیش از این مفهوم دولت در سنت، قبیله یا دین خلاصه می‌شد اما پس از آنکه مفهوم دولت به ویژه از قرن هجدهم مدرن شد البته نه به گونه‌ای که در دولت-ملت‌های اروپایی وجود دارد. این قرارداد اجتماعی رایج حکم می‌کرد که حاکمان در ازای وفاداری و حداقل حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، مشاغل بخش عمومی و کالاها و خدمات رایگان یا یارانه‌ای (مانند بهداشت، آموزش، انرژی و غذا) را برای شهروندان فراهم کنند. یکی از اجزای اصلی قرارداد اجتماعی قابل دوام حکمرانی مؤثر است که در بیشتر کشورهای عربی در شرایط ضعیف و پیشادولتی قرار دارد. در سرتاسر منطقه، شهروندان - صرف نظر از قومیت، ایمان، ثروت، تحصیلات، یا موقعیت - همچنان خواستار عناصر اساسی حکومتی هستند که دولت‌ها اغلب قادر به ارائه آن نیستند یا نمی‌خواهند آن‌ها را فراهم کنند: «آزادی‌های اساسی مانند بیان و تجمع، دسترسی به تصمیم‌گیری، ارائه خدمات مؤثر و تلاش برای مبارزه با فساد از این دست خواسته‌ها می‌باشد». در میان دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس که شرایط دولت-ملتی را دارند می‌توان امارات متحده عربی و قطر نام برد که از جمله ثروتمندترین کشورهای منطقه و بهترین دولت‌ها در ارائه خدمات (اجرای یک سیستم رتبه‌بندی داوطلبانه برای بهبود عملکرد بخش عمومی، توانایی ارائه اطلاعات، توسعه ظرفیت و ارائه خدمات بسیار رضایت‌بخش) هستند. اما دولت‌های کویت و عربستان سعودی ارتباط کمی با سطوح جامع دارند و با وجود منابع فراوان نتوانسته‌اند در سطح امارات و قطر عمل کنند (Carnegie, 2018). چنین حالتی در میان کشورهای عربی موجب می‌شود تا آنان را در شرایط پیشادولتی و دولتی در نظر بگیرند. بعضاً این دولت‌ها همانند عربستان سعودی در جهت بازی فعال در سیستم پیچیده غرب آسیا

و خلیج فارس با توجه به مباحث مذهبی عناصر پساوستفالی را تقویت و موجب شکل‌گیری گروه‌ها یا گروهک‌های تکفیری- وهابی می‌شود. با توجه به این امر دولت‌ها در یک حالت سه‌گانه در نوسان هستند. از نظر سرزمینی نیز میان دولت‌ها درگیری قابل توجه‌ای وجود ندارد. شاید بتوان عمده‌ترین بحث را میان ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه دانست. بنابراین بیشترین عدم‌ثبات در سطح داخلی آنان است و در سطح خارج تا حدود زیادی میان دولت‌های عربی با یکدیگر و با دولت ایران چندان اختلافی حاکم نیست.

جامعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی صلح: ج.ا. ایران دارای دولتی است که به بیش از دو هزار و نیم سال وفاداری نسبت به دولت شهره است. اگرچه با معرفی الگوی خاص حکومت اسلامی (شیعی)، ولایت فقیه که قانونگذار اصلی آن خداوند است، عنصر هویتی بسیار قدرتمندی به آن افزوده شده به گونه‌ای که خواستار وفاداری بی‌چون و چرای شهروندان به دولت است اما هرگز مفهوم دولت زیر سوال نرفته است. جمهوری اسلامی امروز نمونه نادری است که شهروندانش خود را با دولت ایران به هر قومی که باشند می‌شناسند. اگرچه مفهوم و سنت دولت‌داری در دو سوی خلیج فارس بسیار متفاوت است، با این وجود تعریف سرزمینی دولت (تعیین مرزها) برای هر دو پدیده نسبتاً جدید بوده است. در حالی که ایران دارای هزاران سال دولت‌گرایی می‌باشد و تاریخ آن به امپراتوری مربوط می‌شود؛ در سمت عربی خلیج فارس، سلسله‌های قبیله‌ای از اواسط قرن هجدهم به بعد تحت فشار و یا نفوذ خارجی، دولت‌های خود را تأسیس کردند. بنابراین دولت در ایران برخلاف کشورهای عربی پیشتر به سمت دولت‌گرایی آن هم به صورت وستفالی گرایش یافته است. با وجود آنکه ایران دارای دولتی با قدمت طولانی‌تر است برای نفوذ منطقه‌ای به ویژگی دولت‌های منطقه توجه کرده و متناسب با آن، با نیروهای پساوستفالی همانند حزب‌الله، حماس، انصارالله و ... ارتباط گرفته است، ارتباطی که نشان می‌دهد اولویت ایران ثبات در شکل ارتباطات است امری که در دول عربی کمتر دیده می‌شود.

شرایط چندقطبی و توازن قوا میان بازیگران بزرگ منطقه‌ای برای ایجاد صلح

نظام دولتی در اروپا که بر اساس تکامل کنسرت قدرت‌های بزرگ پس از کنگره وین در سال ۱۸۱۵ ساخته شد، مبتنی بر برابری قدرت‌های بزرگ و سطح مشخصی از همکاری میان آن‌ها بود،

اما این نظام در سیستم امنیتی خلیج فارس باتوجه به نبود موازنه قوا خطرات مستمری را برای کشورهای منطقه ایجاد کرده است. در واقع نبود سیستم مشخص در خلیج فارس و آشوب حاکم بر آن موجب می‌شود تا کشورها در هر زمان دست به اقدامات جدید و گرایش به قدرت‌های مختلف به صورت‌های گوناگون بزنند. این عمل در واقع نشان می‌دهد که دولت‌ها در این منطقه در یک حالت دولت ضعیف با قوی، ضعیف با سازمان غیردولتی، ضعیف با ضعیف، شکننده با قوی منطقه‌ای و ... قرار دارند. چنین سیستم پیچیده و آشوبناکی موجب می‌شود تا توازن درهم و غیرقابل پیش‌بینی پدید آید به طوری که در موضوع داعش ائتلاف‌های شکننده - بی‌ثبات و موازنه قوا ناپایدار، منجر به ارائه سیاست‌های متناسب با روز و سیستم‌های مختلف سیاسی در منطقه شد. به همین دلیل می‌توان گفت شاید صلح غریب‌ترین واژه در میان دولت‌ها باشد اما به‌طرز شگفت‌آوری میان آنان حاکم است.

باتوجه به مباحث فوق سیستم‌های مختلفی در غرب آسیا و به‌صورت ویژه در خلیج فارس حاکم است که این سیستم‌ها بعضاً میان دولت‌ها و نیروهای فرمانطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی و در نهایت دولتی در جریان است. توازن قوا در صورت مختلف میان دولت‌هایی که در حالت و ستفالی، پیشاوستفالی و پساوستفالی هستند موجب شده تا صلح همچون حلقه‌ای میان اینان در گردش باشد. حوادثی چون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگ اول و دوم خلیج فارس، حوادث فلسطین، بهار عربی، بروز داعش و ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تأثیرات خود را بر بخش‌های مختلف همچون خلیج فارس گذاشته است. بسیاری از سیاست‌هایی که در این منطقه در طی سالیان اخیر رخ داده است نتیجه توازن میان قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای است. تنگه هرمز، موضوعات موجود در بحث هسته‌ای ایران و غیره همگی چنان در هم تنیده است که صلح را منوط به ثبات بر سر توافقی میان قدرت‌ها کرده است. برای مثال از منظر عربستان، مداخله آمریکا علیه صدام حسین در سال ۲۰۰۳ منجر به افزایش نقش منطقه‌ای و فضای مانور برای ایران شده است. در عین حال ایران توانسته با کنشگری فعال در مقابل دولت‌های سنی که رابطه نزدیکی با عربستان سعودی دارند با سازمان‌های غیردولتی که عمدتاً شیعه هستند رابطه عمیق و بالفعلی داشته باشد و به همراه پتانسیل قدرت منطقه‌ای ایران به ویژه در خلیج فارس و حاکمیت آن بر تنگه هرمز موجب نگرانی در حاکمان سعودی شده است (سیفی، ۱۴۰۲: ۸۷). این نگرانی موجب شده است که عربستان با وجود اینکه، امریکا را موجب افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران

دانسته اما به سمت امریکا گرایش یابد؛ چنین درهم تنیدگی نشان از پیچیدگی در سیستم موجود در خلیج فارس است. در واقع موازنه منطقه‌ای در سیستم آشوبناک میان دولت‌های قوی (با تاریخچه متفاوت) موجب شده است تا هر یک به دنبال توازن منطقه‌ای مجزا از یکدیگر و همچنین صلح مدنظر خود باشند. صلح در خلیج فارس هرچند بارها از سوی ایران منوط به همکاری جمعی دولت‌های منطقه است اما عدم اطمینان بازیگران به یکدیگر موجب شده تا این امر محقق نشود. نزدیکی ایران و عربستان به یکدیگر پس از حوادث دومینوار غرب آسیا و خلیج فارس نشان از همان سیستم بی‌ثبات منطقه‌ای است. سیستمی که به ویژه از جانب دول عربی خلیج فارس متأثر از انتخابات روسای جمهوری امریکا در آن سوی اقیانوس هاست. هرچند بازیگری چین و روسیه ممکن است ائتلاف باثباتی را میان دولت‌های خلیج فارس ایجاد کند اما به دلیل تغییرات مداوم منطقه نمی‌توان ثباتی را در آن همیشگی دانست.

جدول ۱. حالت‌های مختلف توازن قوا و نتایج حاصله از آن در سیستم آشوبناک خلیج فارس. منبع: نگارنده

حالت اول:
ایران و عربستان = ایران دشمن عربستان است ➡ نتیجه: توازن عربستان با آمریکا + ایجاد گروه‌های سلفی همانند داعش (پیشاوستفالی-پساوستفالی) + استفاده از نهادهای منطقه‌ای و کشورهای حوزه عربی خلیج فارس برای حفظ توازن با ایران (پساوستفالی) + نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی و تغییر دشمن از رژیم صهیونیستی به ایران
حالت دوم:
ایران و عربستان = نزدیک شدن عربستان به آمریکا و رژیم صهیونیستی ➡ ایجاد توازن به همراه روسیه توسط ایران (نیروی فرامنطقه‌ای) + ایجاد نیروهای نیابتی (پیشاوستفالی-پساوستفالی) + افزایش رقابت در خلیج فارس برای تامین امنیت + استفاده از اهرم تنگه هرمز + افزایش ضریب امنیتی در زمینه نزدیک شدن اعراب به رژیم صهیونیستی میان ایران و کشورهای حوزه عربی خلیج فارس
حالت سوم:
نزدیک شدن عربستان و ایران به یکدیگر ➡ افزایش تنش میان ایران و رژیم صهیونیستی + باقی ماندن ائتلاف میان دو کشور بر سر بحث‌های هویتی و مذهبی + افزایش صلح منطقه‌ای در عین کاهش صلح بر سر مسائلی که میان دو کشور لاینحل باقی مانده است

نتیجه گیری و پیشنهادها

این مقاله با هدف بررسی صلح و جنگ در خلیج فارس و عواملی که بر روی آن تاثیر می گذارند انجام شده است. بر اساس نظریه آشوب و مفهوم پیشادولت-ملتی، دولت-ملتی و پسادولت-ملتی که در درون سیستم آشوب گونه تفسیر کننده نحوه رفتار بازیگران است به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته شد. بر این اساس بازیگران در سطوح مختلف درون منطقه ای-فرامنطقه ای و غیردولتی تاثیرگذار تقسیم می شوند. سیستم غرب آسیا به عنوان سیستم اصلی و منطقه خلیج فارس به عنوان زیر سیستم متأثر از سه عامل هویت بخش پیشادولت-ملتی، دولت-ملتی و پسادولت-ملتی هستند. بنابراین صلح و جنگ مفاهیم متأثر از این واقعیت ها اما در یک سیستم غیرقابل پیش بینی و شگفت انگیز است. برای مثال با وجود خلأهای دولتی در چندین کشور منطقه، بازیگران غیردولتی سعی در نفوذ به خلأها داشته و به راحتی نقش دولت را پر می کنند. این تحول منعکس کننده ساختارهای پیشادولت-ملتی (قبیله، امپراتوری)، دولت-ملتی (دولتی) و پسادولت-ملتی (بازیگران غیردولتی یا دولت های بالفعل) است. از آنجایی که نظام دولتی غرب آسیا به شدت نفوذپذیر است، بازیگران دولتی و غیردولتی منطقه ای و جهانی وضعیت موجود را بر اساس حل و فصل بین المللی پس از جنگ جهانی اول در منطقه به چالش می کشند. در یک حالت پسادولت-ملتی، کشورهای عرب خلیج فارس سعی می کنند به سایر کشورهای عربی ضعیف و یا شکست خورده (عراق، لیبی، سوریه و یمن) نفوذ کنند، اما در عین حال خودشان تحت تأثیر قدرت های خارجی هستند. اگرچه با اشاره به گسترش خلافت عربی-اسلامی در قرون ۷ تا ۸ می توان ادعا کرد که این امر شبیه ساختارهای پیش از دولت-ملتی است، اما این رقابت بیشتر بر اساس قواعد نظم دولت-ملتی و پسادولت-ملتی انجام می شود. محورسازی ایران ممکن است بیشتر در راستای اصول دولت-ملتی به نظر برسد، با این حال برخی از روابط تحقق یافته در این قالب همانند رابطه ایران و حزب الله بیشتر متعلق به قبل یا بعد از دولت-ملتی است. در جهان پس از ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱) و حتی پیشتر از آن هم در دوره جنگ عراق پس از سال ۲۰۰۳، غرب آسیا و شمال آفریقا عدم تعادل استراتژیک مداوم را مبتنی بر دیدگاه نظریه آشوب تجربه کرده اند. با این وصف در این دوره خلیج فارس به پرنفوذترین و بحرانی ترین منطقه فرعی جهان تبدیل شده

است به طوری که موازنه قدرت سه نقطه‌ای در خلیج فارس یعنی: عراق، ایران و عربستان سعودی (به علاوه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس) بسیار ظریف اما قابل بررسی است. با این حال، تضعیف منافع ایالات متحده (چرخش به سمت آسیا توسط باراک اوباما، یا خروج نیروها از منطقه و درخواست دونالد ترامپ از کشورهای منطقه برای به عهده گرفتن سهم بسیار بیشتری در حفاظت از امنیت خود) هم برای ظهور دیگر قدرت‌های بزرگ خارجی (روسیه، چین) در منطقه و هم برای رقابت بین ایران و عربستان فرصتی را مهیا کرده است. بنابراین علل صلح یا جنگ بسته به عوامل مختلف است که شاید در شرایط کنونی تعریف قطعی و متقن از آن کاری غیرعلمی بنظر بیاید؛ از این رو سیستم غرب آسیا آنقدر در هم تنیده و سخت است که تحلیل صلح و جنگ در آن بسته به شرایط زمان و مکان است، با این وجود این سیستم شکننده و در نوسان تاکنون پویا مانده است. و شاید در نهایت بتوان این گونه بیان کرد که همانند فرضیه موجود در پژوهش صلح و جنگ براساس داده‌های به دست آمده منوط به شرایط چندقطبی و توازن قوای میان بازیگران، عوامل سنتی و مدرن و شرایط حاکمیتی موجود در آن است.

جدول ۲. عناصر و عوامل تاثیرگذار بر صلح و جنگ در منطقه خلیج فارس. منبع: نگارنده

عوامل موثر بر صلح و جنگ در خلیج فارس	- هویتی، مذهبی (تسنن - تشیع) و تاریخی - شرایط حاکمیتی (قبیله‌ای - امپراطوری - جمهوری - سلطنتی) - توازن قوا (درون منطقه‌ای - برون منطقه‌ای)
بازیگران موثر	منطقه‌ای (ایران - عراق - عربستان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس) فرامنطقه‌ای (امریکا - چین و روسیه) غیردولتی (حزب الله - حماس - حشد الشعبی - انصارالله یمن)
عوامل هویت بخش	پیشادولت - ملتی (قومی و قبیله‌ای - زبان و تاریخ عربی) دولت - ملتی (روابط دولت با دولت چه ضعیف با قوی چه قوی با قوی) پسادولت - ملتی (همانند شرایط پساوستفالی)

جدول ۳- حالت‌های مختلف صلح و جنگ در خلیج فارس. منبع: نگارنده

۱- دولت قوی منطقه خلیج فارس و نفوذ در دولت‌های ضعیف منطقه = صلح مبتنی بر توازن قوای برتر بر ضعیف‌تر برای نگه داشتن سیستم (دولت ملت با دولت ملت): نتیجه این امر افزایش اختلاف میان دولت‌های قوی و صلح ناپایدار و بی ثبات ۲- دولت قوی و ائتلاف با نیروهای نیابتی = شکل‌گیری سیستمی در جریان سیستم‌های دیگر برای حفاظت از منافع دولت قوی‌تر البته همراه با سیاست‌های گروه‌های نیابتی (دولت-ملت با بازیگران غیردولتی) هدف دستیابی به صلح به دلیل فقدان همکاری قدرت‌های دیگر با هم و یا مشارکت با قدرت‌های فرامنطقه‌ای نتیجه این امر صلح متزلزل است ۳- دولت قوی منطقه‌ای با دولت قوی فرامنطقه‌ای = شکل‌گیری ائتلاف با نیروهای فرامنطقه‌ای به دلیل عدم توجه به عوامل هویت‌بخش مشترک نتیجه این امر توازن قوای فرامنطقه‌ای با قدرت‌های منطقه‌ای و افزایش تنش و صلح متزلزل ۴- دولت قوی منطقه‌ای و دولت قوی منطقه‌ای = چنین حالتی برای برقراری صلح تاکنون شکل نگرفته است زیرا ترجیح دولت‌ها ایجاد شرایطی است که در آن نظم دولت-ملتی با پیشادولت-ملتی یا پسادولت-ملتی شکل بگیرد نتیجه این امر نیز استمرار سیستم آشوبناک و عدم تعامل مستمر میان قدرت‌های منطقه‌ای برای ایجاد سازوکار صلح‌جویانه درون منطقه‌ای است.	حالت‌های مختلف صلح و جنگ
---	---------------------------------

پیشنهادهای:

در راستای مطالب فوق می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه کرد:

۱. تقویت دیپلماسی منطقه‌ای با محوریت هویت اسلامی: جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تأکید بر اشتراکات هویتی و فرهنگی اسلامی، همکاری‌های دولت-دولت (وستانی) را با کشورهای خلیج فارس در حوزه‌های اقتصادی (تجارت و سرمایه‌گذاری)، سیاسی (گفت‌وگوهای دوجانبه) و امنیتی (مقابله با تهدیدات مشترک) گسترش دهد تا اعتمادسازی منطقه‌ای تقویت شود.
۲. تشکیل ائتلاف امنیتی منطقه‌ای: با توجه به کاهش حضور نظامی ایالات متحده، کشورهای خلیج فارس، از جمله ایران، عربستان سعودی و عراق، می‌توانند ائتلافی امنیتی بر پایه توازن قوا و اصول وستانی ایجاد کنند تا امنیت جمعی منطقه را تضمین کرده و وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای کاهش یابد.
۳. مدیریت خلأهای حکومتی: دولت‌های منطقه می‌توانند برنامه‌های مشترکی برای بازسازی و تقویت نهادهای دولتی در کشورهای دچار خلأ حکومتی (مانند یمن، عراق و سوریه) طراحی کنند، با تمرکز بر توسعه اقتصادی و ظرفیت‌سازی حکومتی برای جلوگیری از نفوذ بازیگران غیردولتی.
۴. ایجاد سازوکار گفت‌وگوی چندجانبه: تأسیس پلتفرم‌های گفت‌وگوی منطقه‌ای با حضور بازیگران کلیدی (ایران، عربستان سعودی، کشورهای شورای همکاری) و میانجی‌گری قدرت‌های بی‌طرف می‌تواند رقابت‌های مخرب را مدیریت کرده و به صلح پایدار کمک کند.
۵. توسعه همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای: ایجاد بازارهای مشترک یا توافق‌نامه‌های تجاری بین کشورهای خلیج فارس می‌تواند وابستگی‌های متقابل اقتصادی را تقویت کرده و انگیزه‌های جنگ را کاهش دهد.
۶. تقویت نقش سازمان‌های منطقه‌ای: سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری اسلامی یا شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند به‌عنوان بستری برای هماهنگی سیاست‌های امنیتی و اقتصادی عمل کرده و نقش میانجی در منازعات منطقه‌ای ایفا کنند.
۷. ارتقای شفافیت و اعتمادسازی نظامی: تبادل اطلاعات نظامی محدود و برگزاری رزمایش‌های مشترک منطقه‌ای می‌تواند اعتماد متقابل را افزایش داده و از سوء تفاهم‌های منجر به

درگیری جلوگیری کند. این پیشنهادات با هدف کاهش تنش، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و ایجاد توازن در سیستم آشوب گونه خلیج فارس ارائه شده‌اند.

فهرست منابع

- احرامی، سجاد؛ اصغر، فرنیان و صمدزاده، معین (۱۴۰۰)، بررسی نقش سازمان ملل در حمله عراق به کویت، فصلنامه مطالعات علم حقوق، سال ۱، شماره ۳، ۱۹-۱۱۰. <https://qlaw.ir/dp-80-337.html>
- اکوانی، حمدالله و موسوی‌نژاد، ولی (۱۳۹۲)، نظریه آشوب؛ مدلی برای تحلیل پیچیدگی فضای سیاسی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۸، شماره ۲، ۲۲۵-۱۸۳. <http://ensani.ir/fa/article>
- ایرنا (۱۳۹۸)، پایان بحران یارکشی‌های دریایی در خلیج فارس با «صلح هرمز»، قابل دسترس در : <https://www.irna.ir/news/83570571/>، {دستیابی ۱۷ دی ۱۴۰۲}
- بوالحسنی، خسرو و ادهمی، عبدالرضا، اصغرزاده، اصغر، پژوهان فر، مرتضی و بناب، اکبر (۱۴۰۰)، امنیت ج.ا. ایران با تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی. فصلنامه علمی امنیت ملی، سال یازدهم، شماره چهارم و یکم، پاییز https://journals.sndu.ac.ir/article_1585.html
- تیموری، احمد؛ صدیق، ابراهیم و نوذری، حسینعلی (۱۴۰۲)، تحلیلی بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در پرتو تغییر در کنش کارگزاران نظام سیاسی عربستان (۲۰۱۰-۲۰۱۸م)، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، دوره ۲۶، شماره ۲، ۱۲۸-۱۰۳. https://psq.bou.ac.ir/article_74474.html
- جعفری، علی؛ سهرابی، محمد و شاه‌محمدی، محمد (۱۴۰۲)، امنیت در خلیج فارس بر مبنای راهبردهای جمهوری اسلامی ایران؛ نقش رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت مشترک منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات بنیادین کاربردی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۶، ۴۶-۲۷. <https://ensani.ir/fa/article>
- حیدری، کیومرث و عبدی، فریدون (۱۳۹۱)، جنگ‌های آینده و مشخصات آن با تحلیلی بر دیدگاه برخی صاحب‌نظران نظامی غرب، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۴۸، سال دوازدهم، ۷۶-۴۳.
- رشیدی، محمدجواد؛ عسگرخانی، ابومحمد و مرادی، مریم (۱۳۹۹)، پیچیدگی سیاست خارجی در خاورمیانه، ارتقاء در نظم آشوب، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۱۰، شماره ۴، ۱۴۸-۱۲۳. <https://priw.ir/article-1-1420-fa.html>
- رضائی، ابودر؛ قربانی شیخ نشین، ارسلان و منوری، سیدعلی (۱۴۰۰)، نقش محور مقاومت در تعامل گرایی امنیتی رژیم اشغالگر قدس و اعراب محافظه‌کار در جنوب غرب آسیا (۲۰۲۰-۲۰۱۰)، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۳۷، ۷۳-۵۴. <https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/keyword.index?vol=387&v1=fa54-73>
- سیفی، عبدالمجید (۱۴۰۲)، موازنه‌گری پویا: چارچوبی برای تحلیل موازنه‌گری عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۲۰، شماره ۱، ۸۱-۱۰۰. https://www.isjq.ir/article_174111.html

- صالحی، حمید (۱۳۹۴)، مفهوم صلح در نظریات روابط بین‌الملل غربی و مطالعات صلح ایرانی-اسلامی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره پانزدهم، ۱۳۳-۱۰۱.
- عمادی، رضی (۱۳۹۸)، تشکیل ناتوی عربی و موانع پیش‌رو، پژوهشکده مطالعات راهبردی، قابل دسترسی در : <https://risstudies.org/> {دستیابی ۱۴ دی ۱۴۰۲}.
- محمودی، محمدعلی (۱۴۰۰)، تبیین مدل حکومت در جریان نواندیش فقه سیاسی شیعه، دومین کنفرانس بین‌المللی فقه، قانون و تحقیقات اسلامی، گرجستان، قابل دسترسی در : <file:///C:/Users/Asus/Downloads/10081399h0226.pdf> {دستیابی ۱۴ دی ۱۴۰۲}.
- مرادپیری، هادی؛ کمالی، محمدرضا؛ مرادی، افشین؛ هادیان، مهدی؛ اسدی، مجید و مهرابی، حسین (۱۴۰۰)، اهداف آمریکا در جنگ عراق (۲۰۰۳) با تطبیق در دو مقطع زمانی قبل و بعد از آن، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال ۱۹، شماره ۸۵، ۳۳۲-۳۱۵. https://journals.sndu.ac.ir/article_1581.html
- نیلفروشان، عباس و نقی‌زاده، حمید (۱۴۰۰)، ضرورت تامین امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس با نگاه به روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، مجله سیاست دفاعی، سال ۳۰، شماره ۱۱۵، ۵۱-۹.
- https://dpj.ihu.ac.ir/article_206623.html?lang=fa.
- Ahmad, Talmiz (2019), Shaping a peace process for the Gulf: An Indian initiative to realise the ideas of Westphalia, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, Vol.13, No.4., https://www.researchgate.net/publication/336811468_Shaping_a_Peace_Process_for_the_Gulf_An_Indian_Initiative_to_Realise_the_Ideas_of_Westphalia
- Al Ahram, Ariel and Lust, Ellen (2016), The decline and fall of the Arab state, Survival, Vol.58, No. 2., <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00396338.2016.1161897>
- Albrecht, Hans, simon. John, Rezaei, hasan(2006), Conflicts and Conflict Resolution in Middle Eastern Societies – Between Tradition and Modernity, Available at: https://www.researchgate.net/publication/45178340_Conflicts_and_Conflict_Resolution_in_Middle_Eastern_Societies_-_Between_Tradition_and_Modernity, Accessed on: 9 January 2024.
- Bagheri Dolatabadi, Ali and Kamrava, Mehran (2022), Iran's changing naval strategy in the Persian Gulf: motives and features, Tandfonline, Vol. 51, No.1, (Doi. <https://doi.org/10.1080/13530194.2022.2105815>).
- Carnegie (2018), governance and future of Arab world, Available at: <https://carnegieendowment.org/2018/10/16/governance-and-future-of-arab-world-pub-77501>, Accessed on: 9 January 2024.
- Rozsa, E. (2018), Weapons of mass destruction in the Middle East and North Africa, MENARA Working Papers 24, Available at: http://menaraproject.eu/wp-content/uploads/2018/11/menara_wp_24.pdf, Accessed on: 3 January 2024.
- En.mehrnews (2020), How to maintain peace in Persian Gulf region, Available at: <https://en.mehrnews.com/news/158187/How-to-maintain-peace-in-Persian-Gulf-region>, Accessed on: 1 January 2024.
- European Union External Action (2021), Gulf Cooperation Council (GCC) and the EU, Available at: https://www.eeas.europa.eu/eeas/gulf-cooperation-council-gcc-and-eu_en, Accessed on: 10 January 2024.

- Al-Humaidhi , H. (2015), arbitration in the Arab-Islamic world, Arab Law Quarterly 29, (Doi:10.1163/15730255-12341291). <https://www.grafiati.com/fr/literature-selections/arbitration-in-family-disputes/journal/>
- History.state.gov (1996), The Madrid Conference, 1991, Avalible at:<https://history.state.gov/milestones/1989-1992/madrid-conference>, Accesses on: 10 January 2024.
- Kamel, Lorenzo (2017), State vacuums and non-state actors in the Middle East, Institute Affari Internazionali, Avalible at: https://www.iai.it/sites/default/files/newmed_authority.pdf, Accesses on: 20 December 2023.
- Rzehak, L. and D. Pashto (2011), 'Pashtunwali as the ideal of honourable behaviour and tribal life among the Pashtuns', Afghanistan Analysts Network, available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/wp-content/uploads/downloads/2012/10/20110321LR-Pashtunwali-FINAL.pdf>, Accesses on: 20 December 2023
- Rózsa, Erzsébet (2018), Weapons of mass destruction in the middle east and north Africa, Middle East and North Africa Regional Architecture, No. 24, Available at: https://www.iai.it/sites/default/files/menara_wp_24.pdf, Accesses on: 20 December 2023.
- Naaz, Farah (2001), Security in the Persian Gulf, Avalible at: https://ciaotest.cc.columbia.edu/olj/sa/sa_mar01naf01.html, Accesses on: 18 December 2023
- Saleh, Alam and Zakiyeh Yazdanshenas (2023), China-Iran strategic partnership and the future of US hegemony in the Persian Gulf Region, Tandfonline, , (Doi. <https://doi.org/10.1080/13530194.2023.2215188>).
- Sonnen Kreuder, Christian and Zangl, Bernhard (2015), Which post-Westphalia? International organizations between constitutionalism and authoritarianism, European Journal of International Relations, Vol. 21, No. 3,. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1354066114548736>.
- Zaki, Yashar (2021), Environmental Problems of Persian Gulf from Ecopolitical Perspective. International journal of Maritime Policy, Vol. 1, Issue 2. file:///C:/Users/pc/Downloads/51025520210201.pdf.

